

سرمدیر: رحمان حسین زاده
husienzade_r@yahoo.com

سه شنبه ها منتشر می شود



پایان ریگانیسم و تاچریسم دوره عروج و احیای کمونیسم

مصاحبه پرتو با فاتح شیخ

پرتو: پنج هفته از انفجار اولیه بحران اقتصاد جهانی در وال ستریت می گذرد، نشانی از فرونشستن آن و بازیابی ثبات بازار نیست، کار به کجا کشیده، سرایت جهانی بحران و چشم انداز کنترل چطور است؟



درسهایی از
هفته
همبستگی با
کارگران
ایران

رحمان حسین زاده

همزمانی هفته همبستگی با کارگران ایران و اهدای جایزه "سولیدار" به سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر و در سطح جهانی توجه به جایگاه طبقه کارگرایران، شرایط زیست و مبارزه طبقه ما را جلب کرده است. ارزش این اتفاق مهم را در هفته ای که گذشت باید پاس داشت. مسئله تنها تحکیم همسرنوشتی کارگری و یاد آوری این سنت مهم و دیرینه سوسیالیستی کارگری نیست، به علاوه تأثیرات مستقیم این اتفاق را در فضای سیاسی ایران و در روند کشمکشهای طبقاتی و اجتماعی این جامعه میتوان برشمرد.

فاتح شیخ: آنچه از ثروت جامعه ظرف همین پنج هفته با بحران سرمایه دود شده و هوا رفته به اضافه آنچه دولتها از جیب طبقه کارگر و مردم (مالیات دهندگان) به حساب بانکهای بحرانزده ریخته اند، سر به دهها تریلیون دلار زده است. همین حجم بزرگ تلف کردن ثروت جامعه کافی است که بشریت حکم نابودی فوری نظام سرمایه داری را صادر کند. اثبات ضرورت سازماندهی مجدد جامعه بر اساس سوسیالیسم، بر اساس اشتراک تعاونی انسانهای آزاد و برابر، امروز دیگر نیاز به سخنرانی چندانی ندارد. پراتیک طبقاتی انقلابی در دستور روز است. امروز با اینهمه شواهد قوی، در کنار آگاهگری، افشاگری و اژیتاسیون زنده علیه بنیادهای سرمایه داری که همیشه ضروری است، پراتیک متحد کردن و به میدان آوردن طبقه کارگر برای پایان دادن به عمر آن برجستگی فوق العاده پیدا می کند. پراتیک به معنی مشخص سازمان دادن تعرض طبقاتی به حاکمیت سرمایه به عنوان بهترین دفاع در برابر تعرض جاری بورژوازی، و به معنی خلق ید سیاسی و اقتصادی از سرمایه به هر درجه و در هر جا که نیروی متحد طبقه امکان بدهد.

شاید ارقام نجومی دهها تریلیون دلار، برای ذهن شهروند عادی جامعه، برای کارگری که هنوز شانس شغلی اش را از دست نداده و هر روز ناگزیر است سر کار برود و کوفته برگردد، سرگیجه

صفحه ۲



شکست مارکسیسم یا هراس از مارکسیسم (در حاشیه اظهارات خامنه ای و احمدی نژاد در مورد بحران اخیر سرمایه)

حسین مرادیگی

بحران اخیر سرمایه داری، سرانجام خامنه ای و احمدی نژاد و دیگر سران جمهوری اسلامی را نیز به حرف آورد. خامنه ای از اینکه گویا دیگر نامی از مکتب مارکسیسم نمانده است و مکتب لیبرال دموکراسی نیز از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی به زمین خورده است و بزعم او حباب کاذب پول در دنیای غرب شکسته شده است و گویا راه پیشروی جریان اسلامی هموار شده است، اظهار خوشحالی میکند. احمدی نژاد هم با گفتن چیزی در همین مایه، وعده اصلاح نظام بانکی بدون ربا در ایران و برقرار کردن عقود اسلامی را میدهد!

قبل از پرداختن به اظهار نظرهای خامنه ای و احمدی نژاد، هر دوی اینها را با ابراز رضایت ظاهریشان از "شکست" مارکسیسم و همچنین با ریاکاری اسلامی شان در مورد شکستن "حباب کاذب" پول جا میگذاریم، اول به سراغ حکومت اسلامی سرمایه میرویم و پائین تر به اینها و به آنچه که خامنه ای و احمدی نژاد را به نرخ گذاری مجدد جریان اسلامی واداشته است، اشاره میکنیم.

صفحه ۵

جنبش دفاع از حقوق کودکان "ممنوعیت حکم اعدام کودکان" آزاد زمانی
را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد

صفحه ۶

به رفقای واحدهای بهاران و سپیدار گارد آزادی

از طرف دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

صفحه ۴

ساعات پخش تلویزیون پرتو
۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران
تکرار برنامه ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ نیمه شب

نشریه مذب کمونیست کارگری حکمتیست
هر هفته سه شنبه ها منتشر می شود
پرتو را بفوانید و به دوستان خود

پرتو

زنده باد سوسیالیسم

الف - در شرایطی که روزانه میخواهند به افکار عمومی دنیا بقبولانند که "بحران هسته ای" مسئله "محوری" مربوط به جامعه ایران است، برجسته شدن همبستگی جهانی با کارگران ایران، لاجرم مطرح شدن شرایط سخت معیشتی و مبارزاتی و تحرک این طبقه در مقابل رژیم سرمایه اسلامی، پیام دیگری و "معضل محوری تر" بنیاد جامعه ایران را به دنیا مخابره میکند. واقعیت جنگ طبقاتی و روزمره طبقه ما و جنبش کارگری در مقابل یکی از هارترین رژیمهای سرمایه بسیار رسا اعلام میشود. برای آن حمایت و همگامی جهانی و نیرو کسب میشود. تلاش برای تغییر تناسب قوا به نفع جبهه کارگر و مبارزه کارگری ابعاد فراکشوری به خود میگیرد.

ب- همین حمایت و همسرنوشتی کارگری جهانی درس بزرگی برای نبردهای پراکنده و روزمره کارگران ایران در دفاع از معیشت و سفره زندگی خود و خانواده شان دارد. اگر حمایت و همبستگی در سطح بین المللی میتواند امید بخش و دلگرم کننده باشد. در کنار هم ایستادن بخشهای مختلف کارگری در سطح کشور و در مبارزات جاری لازمه سنگر بندی محکم در مقابل تعرض سبانه سرمایه و دولت حامی آنها و شرط پیشروی در همین مبارزات است. کارگران کمونیست و فعالین کارگری میتوانند و باید در این راستا آستینها را بالا بزنند.

ادامه از ص ۱ پایان ریگانسیم و تاجریسم ، دوره عروج و احیای کمونیسیم مصاحبه پرتو با فاتح شیخ

در چه عرصه هانی صورت بگیرد؟

فاتح شیخ: واضح است قبل از هر چیز رابطه سرمایه و کار، این بنیادی ترین رابطه نظام سرمایه داری، بازتعریف میشود. واضحت اینک حاصل بازتعریف، تشدید استثمار طبقه کارگر جهانی، افزایش بیکاری، کاهش استاندارد دستمزد در کنار تحمیل تورم و گرانی بیشتر خواهد بود. البته با توجه به شکست ایدئولوژیک و استراتژیک ریگانسیم و تاجریسم در راس جناح راست بورژوازی، قطعاً صداهای ضعیفی ترس از خیزش طبقه کارگر را مبنای دفاع از رفرمهای جزئی و ناچیز خواهند کرد. اما رفرم بورژوایی در این دوره از همیشه بی پایه تر و بیمایه تر و ساختگی تر است. لطمه تعرض به طبقه کارگر تا هم اکنون بسیار گسترده بوده است. اما یک تعرض متقابل طبقه کارگر و ارتقای مبارزه طبقاتی از سطح دفاعی اقتصادی به سطح سیاسی و جدال بر سر قدرت خواهد توانست بورژوازی را عقب براند و در حلقه های ضعیف پانین بکشاند.

دوم بازتعریف رابطه بخشهای سرمایه با همدیگر است: رابطه سرمایه مالی با صنعتی و تجاری، رابطه سرمایه دولتی با خصوصی، تجدید بالانس دخالت دولت با حرکت آزاد سرمایه که این روزها مضمون جدال ایدئولوژیک میان جناحهای مختلف بورژوازی شده است. شکست نئولیبرالیسم، شکست سی سال تاخت و تاز ریگانسیم و تاجریسم، طبعاً به سوسیال دموکراسی به راست چرخیده اروپا امکان اندکی چرخش به چپ با هدف خاک پاشیدن به چشم



نشست های دوجانبه و چندجانبه دولتهای بزرگ امپریالیستی است. اول آمریکا و انگلیس، بعد انگلیس و فرانسه و آلمان و ایتالیا، بعد انگلیس و پانزده کشور حوزه یورو، بعد وزرای خزانه داری هفت قدرت بزرگ (جی۷)، بعد انگلیس و ۲۷ عضو اتحادیه اروپا، بعد مجدداً نمایندگان قدرتهای بزرگ این بار جی۸ (جی۷ + روسیه)، حالا قرار است سران جی۸ به اضافه چین و هند و برزیل در کمپ دیوید جمع شوند تا بر سر تغییرات استراتژیک در سیستم مالی جهان، از جمله سرنوشت دلار با هم چانه بزنند و توافقها و رقابتهایشان را بسنجند. جورج بوش دیروز یکشنبه اخطار داد که هرگونه اصلاح در ساختار اقتصادی جهان باید بر اساس حفظ نظام سرمایه داری و بازار آزاد باشد. باید دید بقیه راجع به همین هدف مشترک چه راهی پیش پا میگذارند. در این میان قیمت نفت نسبت به ماه ژوئیه به کمتر از نصف (پانین ۷۰ دلار هر بشکه) کاهش یافته و نشست اوپک در ۲۴ اکتبر قرار است به این مساله که ویروس بحران را به قلب و مغز کشورهای نفتی برده رسیدگی کند. آیا این گروه با تلاش برای افزایش مجدد قیمت نفت یک بلوک جهانی رقیب غرب تشکیل خواهد داد؟ هم اکنون ایران و ونزویلا در تلاشند، گفته می شود روسیه هم از خارج اوپک این حرکت را تقویت میکند. این موضوع در شرایط امروز جای تردید جدی است. اما در هر حال در به روی بلوکبندیها و رقابتهای جدید باز شده و همه نشست ها بر سر بازتعریف پایه های سرمایه داری معاصر است.

پرتو: این بازتعریفها قرار است

اقتصادهای دنیا را دارند که دور نیست با توجه به دورنمای کاهش قیمت نفت، در جریان همین بحران روی سرشان خراب شود. رژیم شاه هم در موقعیت مشابهی به سراشییبی سقوط افتاد و با انقلاب ۵۷ پانین کشیده شد. مکان اقتصادی ایران در جهان، همان مکان دوره رژیم شاه است.

درباره چشم انداز ادامه بحران، خود برنامه ریزان کنترل آن می گویند حداقل تا آخر امسال ادامه خواهد داشت. با توجه به تجربه همین مدت، میتوان گفت بازگرداندن کل سرمایه جهانی به سودآوری و انباشت مجدد، همزمان رام کردن اسب سرکش رقابت انحصارات بزرگ، توسط دولتهایی که سی سال است توسط جناح راست ریگانی و تاجری از صحنه دخالت در حریم مقدس بازار کنار گذاشته شده اند، کار آسانی نیست. بحران جاری عمیقتر از این حرفهاست. این بحران ۱۴ ماه است شروع شده، از پنج هفته پیش آتشفشان آن بیرون زده است. بخاطر شکافهای عمیق بلوکهای موجود سرمایه داری ممکن است تا شروع انباشت مجدد سالها طول بکشد. البته به رغم رقابت شدید، سازش بلوکها بر سر تعرض همه جانبه علیه طبقه کارگر جهانی ممکن است.

جنبه مهمتر در جواب به سوال "کار به کجا کشیده؟" تحولاتی است که در سطوح ایدئولوژیک و استراتژیک صورت گرفته و میگیرد. بازتعریف تقریباً همه مناسبات اساسی سرمایه داری معاصر در مقیاس تماماً جهانی آن (گلوبال) و بازسازی ساختار اقتصادی جهان سرمایه یک بار دیگر در دستور بورژوازی قرار گرفته است. این مضمون همه

آور باشد. مثال کوچکی میتواند روشنگر باشد: دبیر کل FAO (سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل) پنجشنبه ۱۶ اکتبر گفت که امسال برای مقابله با فقر و گرسنگی در جهان، درخواست ۲۲ میلیارد دلار بودجه کرده اما تا این لحظه فقط یکدهم این مبلغ دریافت شده است. تکانهنده است: حق گرسنگان جهان (حدود یک میلیارد انسان طبق آمار FAO) اینچنین وقیحانه انکار میشود، ۲۲ میلیارد دلار دریغ میشود، در حالیکه دهها هزار میلیارد دلار از مالیات مستقیم و غیرمستقیم مردم، توسط دولتهای سرمایه تقدیم بزرگترین بلعدگان ثروت جهان میشود!

سرایت جهانی بحران بخصوص در روزهای اخیر، خیره کننده است. دولت سوئد معادل ۲۰۵ میلیارد دلار به نام "ضربه پیشگیرنده" برای نجات بانکها اختصاص داده که پرداخت آن از هفته آینده شروع میشود. هلند ۱۳ میلیارد دلار و کره جنوبی ۱۰۰ میلیارد دلار اختصاص داده است. بحران به هند و چین و روسیه و ایران هم سرایت کرده است. رشد اقتصاد چین بعد از پنج سال، در نه ماه امسال به ۹٪ کاهش یافته (از ۱۲٪ پارسال). بیکاری و اعتراضات کارگری در چین گسترش یافته است. در ایران سقوط قیمت نفت باعث ۵۴ میلیارد دلار کسر درآمد شده است. ابلهانه بودن شادی سران رژیم اسلامی از بحران سرمایه داری خیلی زود خود را نشان داد. اینها وقیحانه سرمایه داری بودن رژیم اسلامی شان را انکار میکنند، درحالیکه یکی از عقبمانده ترین، بحرانی ترین و بنابراین شکننده ترین

و خواست آزادی دبیر این سندیکای، تحرک تاکنونی برای آزادی اسالو را قویتر کرده است. آزادی اسالو میتواند یکی از نتایج ملموس این حرکت مهم هفته گذشته باشد.

عمومی کارگری و دیگر تشکلهای خود را ایجادو بر سرمایه داران و دولت آنها تحمیل کنند. د- و ناگفته پیدا است که هفته همبستگی با کارگران ایران و اهدای جایزه "سولیدار" و حمایت از سندیکای کارگران شرکت واحد

سندیکای کارگران شرکت واحد را در خود ایران تقویت کرده و ادامه کاری آن را تثبیت تر میکند. واضح است وجود یک تشکل کارگری مستقل از دولت با موقعیت تثبیت شده، به دیگر بخشهای مختلف کارگری قوت قلب میدهد که بجنبند، مجامع

→ ج- اهدای جایزه سولیدار به سندیکای کارگران شرکت واحد علاوه بر جنبه سمبلیک قدردانی از مبارزات تاکنونی این بخش از جنبش کارگری، مهمتر تا همین جا تاثیر جدی در رسمیت دادن به یکی از معدود تشکلهای کارگری موجود در ایران دارد. موقعیت

آزادی، برابری، حکومت کارگری

→ طبقه کارگر و پیشبرد سازش طبقاتی را میدهد. هم اکنون اوباما سوار این باد است و مکین را این باد دارد عقب میراند. مثالها فراوان است. در کنار صحبت از بازگشت مارکس، سوسیال دمکراتها از بازگشت کینز صحبت میکنند. به نظر من بازگشت سرمایه داری دولتی و یا سیستم دولت رفاه ممکن نیست. این سیستم ها در شرایط دیگری خدمت خود را کرده اند و رفته اند. اما به دخالت دولت برای گرفتن زیر بغل سرمایه خصوصی و تعیین قواعد بازی رقابت سرمایه ها، میدان بیشتری داده خواهد شد. سوم بازتعریف رابطه قدرتهای بزرگ امپریالیست با همدیگر در پروسه تقسیم مجدد جهان است. پرونده تجدید تقسیم جهان، که در ادبیات حزب حکمیت در یک سال اخیر مشروحا راجع به آن صحبت شده، قبل از این بحران بخاطر شکست استراتژی میلیتاریستی آمریکا باز شده بود، بحران به آن فوریت بیشتری داده است. میبایست هم چنین بشود، افت موقعیت سیاسی و نظامی آمریکا حاصل افت تدریجی اقتصاد آن بود. حالا که اقتصاد مستقیما حکم خود را اجرا میکند، مساله تقسیم مجدد دنیا در شکل رقابتی بنیادی تر جلو خواهد رفت. بطور مثال جنگ روسیه و گرجستان بخشی از پروسه تقسیم مجدد جهان قبل از بروز این بحران بود. تلاش روسیه برای کشیدن ایسلند به حوزه اقتصاد خود با دادن وام چهار میلیارد یورویی، بخشی از این پروسه در شکل اقتصادی است که فقط با این بحران میتوانست ممکن شود. این نمونه بسیار کوچکی است، کلا بازتعریف رابطه قدرتهای امپریالیست و بلوکهای اقتصادی و مالی، تعیین تکلیف موقعیت دلار و سایر پولهای قوی جهان (یورو و پوند و یوان) آرایش دیگری به سرمایه جهانی خواهد داد. در این پروسه حتمی نیست همه چیز در صلح و صفا فیصله داده شود، جنگ و عروج فاشیسم هم یک امکان واقعی است.

و بالاخره عرصه دیگر بازتعریف رابطه قدرتهای بزرگ امپریالیست

با کشورهای عقبمانده یا کمتر توسعه یافته سرمایه داری، کشورهای قلمرو صدور سرمایه و منبع فوق سود (بخاطر کار ارزان و مواد خام ارزان) است. گرچه این خود بخشی از پروسه تقسیم مجدد جهان است، اما بخاطر غلبه هرج و مرج در بالانس قدرتهای بزرگ جهان در این دوره، میدان مانور برای نیروهای متوسط و کوچک در شکاف جدال قدرتهای امپریالیست باز شده است. به این معنی تغییر مکان کشورها در اقتصاد جهان بعد از شصت سال ثبات نسبی، امکانپذیرتر شده است. در بیست سال گذشته غرب و چین مدلهای و استراتژیهای مختلفی ("توافق واشنگتن" و "توافق پکن") در تعامل با کشورهای توسعه نیافته داشته اند. در این دوره همه استراتژیهای اقتصادهای بزرگ جهان، اول، جهان صدور سرمایه، در برخورد به مساله مدل توسعه سرمایه داری در بخشهای کمتر توسعه یافته جهان، جهان دوم، بازبینی میشود.

پرتو: پیامدهای سیاسی تاکتونی این بحران چگونه بوده است؟

فاتح شیخ: برای اینکه پیامدهای سیاسی این بحران تماما خود را نشان بدهد هنوز زمان لازم است. کمونیستها باید تحولات را به دقت تعقیب و بطور مشخص تحلیل کنند. قدر مسلم آنکه یک دوره سی ساله تعرض جناح راست بورژوازی، ریگانیسم و تاجریسم، به طبقه کارگر جهانی به پایان قطعی رسیده است. در میانه این راه جهان شاهد سقوط بلوک سرمایه داری دولتی و سیستم سوسیال "دولت رفاه" دمکراسی اروپا بود که البته یک محصول مهم تعرض جناح راست و جنبش و ایدئولوژی معروف به نئولیبرالیسم بود ولی سقوط آن بلوک و آن جناح باعث شد که تضاد طبقاتی ذاتی سرمایه داری مستقیما یقه غرب "پیروز" و جناح راست بورژوازی را بگیرد. خط فکری سیاسی ما از زبان منصور حکمت این حقیقت را در همان مقطع با روشنی تبیین و اعلام کرد. این همان بلوک "پیروز"

آنروز است که امروز شکست خورده است. این روزها به وفور صحبت از بازگشت مارکس میشود. این صحبتها بازتاب این حقیقت است که زمان و شرایط برای عروج و احیای کمونیسم مارکس بسیار مساعد شده است. اما اکثرا در پشت این صحبت ها، بازگشت همان مارکس تحریف شده ای منظور است که سرمایه داری دولتی شرق و سوسیال دمکراسی غرب به نام آن دهها سال به چشم طبقه کارگر خاک پاشیده بودند. خط فکری سیاسی حزبی ما نه تنها در یک دوره دفاع درخشان از مارکسیسم و کمونیسم در برابر انواع شاخه های کمونیسم و سوسیالیسم بورژوازی را به پیش برد و تثبیت کرد، بلکه در اوج حمله به مارکس و کمونیسم هم جانانه از آن دفاع کرد. این مانیم که حق داریم و موظفیم پرچم بازگشت مارکس واقعی و تحریف نشده، پرچم مارکسیسم و کمونیسم کارگر را بلند کنیم و مهمتر از آن نیروی طبقه را برای تحقق آن سازمان دهیم و به میدان بیاوریم. عروج و احیای کمونیسم در این دوره که تحولات خیره کننده ای در جهان سرمایه داری در پیش است، در تاریخ بعد از شکست انقلاب اکتر، از هر دوره دیگری امکانپذیرتر است.

پیادهای سیاسی معینی در شکل تغییر توازن به زیان کل جبهه آمریکا و غرب در جهان پدیدار شده است که هم کمونیسم و هم ارتجاع سرمایه داری روسی و چینی و حتی اسلامی میتوانند از آن استفاده کنند و تلاش کنند بدیل خود را جایگزین سازند. در خاورمیانه تحولات مهم در راه است. آرایش سیاسی این منطقه تغییرات جدی خواهد کرد. عراق همچنان عرصه کشمکش است. جمهوری اسلامی موقعیت متناقضی دارد؛ هم میتواند در برابر آمریکا و متحدانش موقعیت بهتر کسب کند و هم میتواند زیر فشار بحران اقتصادی لاعلاجش که با کاهش قیمت نفت تشدید هم میشود و همزمان زیر فشار تعرض طبقه کارگر و کمونیسم حی و حاضر فعال در سیاست ایران به گور سپرده شود. اسرائیل

در صدد است با همسایگان عرب خود پای صلح فراگیری برود تا بتواند در برابر رژیم اسلامی و حماس و حزب الله از موجودیت خود دفاع کند. این روند را ما قبلا تبیین کرده بودیم (کمونیست ۱۵۶- مصاحبه با فاتح شیخ درباره تهدیدات متقابل ایران و اسرائیل) این روزها اهود باراک آن را به صراحت بیان کرده است. جنبش کمونیستی طبقه کارگر در ایران و عراق از جمله حزب حکمیت و دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان با خط روشن فکری و سیاسی ای که در قبال تحولات سالهای اخیر داشته اند میتوانند به تحولات خیره کننده جاری جواب روشن و متفاوت از دیگران، بدهند سریعا نیرو بگیرند و به احزاب بزرگ در معادلات سیاسی و دخیل در جدال قدرت در این کشورها و در منطقه تبدیل شوند و از این راه به احیای کمونیسم در سطح جهان و منطقه یاری برسانند.

پرتو: این روزها خامنه ای و احمدی نژاد از شکست لیبرالیسم در پی شکست مارکسیسم (بلوک شرق) دم زده اند. زمینه عربده کشی اینها علیه مارکسیسم و هدف آن چیست؟

فاتح شیخ: این ابلهان چرند میگویند. ابله تر از آنهاست که باورشان کند، به زحمت پیدا میشود. حتی داد خاتمی و رفسنجانی از این عریده کشیهای بیمایه در آمده است. مهمتر اینکه وخامت اقتصاد رژیم اسلامی و اعلام آن توسط روسای قدیم و جدید بانک مرکزی این عریده کشی را در کمتر از یک هفته رسوا کرد. شکست نئولیبرالیسم ریگان و تاجر زمینه این چرندیات است اما هدف آن حمله به مارکسیسم و کمونیسم طبقه کارگر است. اینها بگویند یا نگویند به مارکسیسم و کمونیسم بعنوان یک تهدید جدی برای حاکمیتشان نگاه میکنند. حضور دائم مبارزه طبقاتی طبقه کارگر، حتی در شکل پراکنده و دفاعی اقتصادی امروز، بستر مادی حرکت آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه است. زمینه برای رشد مارکسیسم و کمونیسم ←

روز ما کمونیستهای پرولتری است که با تعرض همه جانبه فکری سیاسی اقتصادی به بورژوازی و با متحد کردن صفوف طبقه کارگر و توده محروم جامعه، به عمر رژیم اسلامی سرمایه و کل بساط گندیده سرمایه داری در ایران خاتمه بدهیم. دوره دوره عروج کمونیسم مارکس و لنین و حکمت است. وحشت جانیان اسلامی حاکم از همینجا منشا گرفته است.

۲۰ اکتبر ۲۰۰۸

احمدی نژاد در برابر اعتصاب بازار نشان داد که عربده کشی هایشان در میان طبقه سرمایه دار هم خریدار ندارد. اما بازتعریف رابطه دولت و بازار در ایران در دل این بحران به هر صورتی پیش برود، این مبارزه طبقاتی کارگری در عرصه های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک است که در این دوره میتواند جامعه را از چنگال رژیم اسلامی و سرمایه خصوصی و بازار، هر دو، رها کند. روز روز خامنه ایها و احمدی نژادها نیست.

رژیم اسلامی و اسلام سیاسی هم هست. خود رژیم اسلامی در شرایط تعرض راست جهانی امکان به قدرت خزیدن یافت و امروز قابل درک است که همراه با شکست راست جهانی، رژیم اسلامی و جنبش اسلامی هم به سراشیب شکست و سقوط بیفتند. اقتصادشان امروز بسیار شکننده و وخیم است. اعتصاب بازاریان در واقع اعتراض سرمایه خصوصی به نحوه اداره اقتصاد توسط دولت در دوره بازتعریف رابطه دولت و بازار است. عقب نشینی فوری

→ در این شرایط در ایران (و در واقع در سطح جهان) خیلی مساعد است. وقتی همه جا از بازگشت مارکس صحبت میشود این عقیمانده ترین جانوران مدافع سرمایه هم میشوند، مهمتر اینکه بازگشت مارکس را در ایران دیده اند و لرزیده اند. این چرندیات نماز وحشت سران رژیم اسلامی است. شکست نئولیبرالیسم به عنوان پرچم راست ترین جناح بورژوازی این دوره، در واقع شکست ایدئولوژی و استراتژی

به رفقای واحدهای بهاران و سپیدار گارد آزادی

از طرف دفتر سیاسی حزب حکمتیست به تک تک شما رزمندگان گارد آزادی به خاطر حضور جسورانه و پی در پی در میان مردم آزادیخواه سندانج صمیمانه خسته نباشید می گویم و دست شما و رفقای کمیته کردستان حزب حکمتیست را بخاطر کاردانی و دقت عمل در سازماندهی و اجرای این اقدام انقلابی به گرمی می فشارم.

حضور قدرتمند شما بعنوان سمبل و سخنگوی مبارزه رزمنده مردم و متقابلاً شور و هیجان توده های تشنه آزادی در استقبال از اقدام انقلابی تان، یک بار دیگر نشان داد که گارد آزادی بازوی واقعی قدرت طبقه کارگر و توده های محروم در مبارزه دائم و تعطیل ناپذیر علیه استثمار و سرکوب، علیه ارتجاع و استبداد و خفقان، علیه گانگسترهای اسلامی و علیه مسببان تیره روزی جوانان است.

تمام تجربه تاریخی مبارزه طبقاتی اثبات این حقیقت است که طبقه کارگر و توده های محروم جامعه، بدون داشتن قدرت مسلحی که قادر به اعمال قدرت میلیتانت و انقلابی علیه کل ارتجاع و گندیدگی طبقات حاکم باشد، ناگزیر باید هر روز از نو بر سند بردگی و ناتوانی خود مهر بزنند. حضور شما بعنوان واحدهائی از بازوی مسلح حزب انقلابی تان حزب حکمتیست، بدون شک عزم و اراده کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان تشنه آزادی و برابری را برای برانداختن بساط کثیف سرمایه داری راسخ تر خواهد کرد. شجاعت و دقت عمل در سازماندهی و اجرای اقدام انقلابی تان بدون شک سرمشق و الهامبخش توده وسیع جوانان و مردم آزادیخواه برای فعالیت در صفوف رزمندگان گارد آزادی خواهد شد. بار دیگر دستتان را میفشارم و برایتان موفقیت بیشتر و سلامتی و شادی آرزو میکنم

از طرف دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
فاتح شیخ

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب : A.J
شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹
کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱
نام بانک: Barclays

ادامه از ص ۱
شکست مارکسیسم یا
هراس از مارکسیسم
 (در حاشیه اظهارات خامنه ای
 و احمدی نژاد در مورد بحران
 اخیر سرمایه)

اگر مدتهاست که کثافت سرمایه داری از هر سوراخ سنبه این نظام گندیده بیرون زده است، حکومت اسلامی سرمایه در بستر این لجنزار نمونه ای از زشت ترین و هارترین و وحشی ترین شکل سرمایه داری در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست یکم را از خود بیرون داده است. نظام سرمایه داری با حاکمیت اسلامی که در آن زن بودن جرم است، شادی و خنده و رقص و نفس لذت بردن از زندگی جرم است. در آن، کودک به عنوان انسان به رسمیت شناخته نمیشود. در حکومت اسلامی سرمایه از بیش از ۵/۱ میلیون کودک در سختترین شرایط کار میکنند. در دفاع از تقدس مالکیت خصوصی و سرمایه، به زور سرنیزه، بی حقوقی مطلق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را به طبقه کارگر و از اینطریق به جامعه و به اکثریت مردم ایران تحمیل کرده اند. حکومتی سراپا ضد کارگر که نه تنها کوچکترین حقی برای طبقه کارگر قائل نمیشود که به عنوان طرف کارگر در هر اعتراض کارگر علیه کارفرما و سرمایه دار، برای سرکوب و ضرب و شتم کارگری که حقوق معوقه خود را میخواهد نیروی پاسدار و یگانهای ویژه خود را فوراً گسیل میکنند.

در حکومت اسلامی سرمایه هم اکنون فقر بی داد میکند، اعتیاد زندگی جوانها را سیاه کرده است، تن فروشی بیداد میکند و به شکل وسیعی برای امرار معاش درآمده است. آمار معتادین به مواد مخدر در حکومت اسلامی سرمایه بیش از هر کشور سرمایه داری دیگری حتی با جمعیت به مراتب بیشتر از ایران است. اغراق نیست که اگر بگوئیم حدود نصف جمعیت ایران یعنی مردم کارگر و زحمتکش آن زیر خط فقر زندگی میکنند. تعداد کودکان خیابانی حکومت اسلامی از هر کشور

سرمایه داری دیگری مشابه ایران، بیشتر است. از نظر تعداد بی سرپناهها حکومت اسلامی در میان دیگر کشورهای سرمایه داری منطقه سر است.

جامعه ای با مردمی بدون بهداشت رایگان و بدون آموزش و پرورش رایگان و بدون وجود سیستم بیمه های اجتماعی و بیمه های بیکاری مکفی برای هر فرد آماده به کار. و این در حالی است که ایران کشوری است بسیار ثروتمند با امکانات مادی بسیار وسیع. بیشترین بخش درآمد مردم این کشور به گلوی ارگانهای متعدد سرکوب و بوروکراسی جمهوری اسلامی و به گلوی حوزه های علمیه و مراکز اسلامی و آیت الله ها و گله آخوندها ریخته میشود و بخشی از آن نیز خرج تروریسم اسلامی در منطقه میشود. حکومت اسلامی سرمایه دارای بیشترین زندانی حتی در مقایسه با کشوری مثل هندوستان با جمعیت یک میلیاردی یعنی هر ۳۶ نفر زندانی در ۱۰۰ نفر در جمهوری اسلامی هر ۲۳۰ نفر در ۱۰۰ نفر است. طبق گفته شاهرودی که خود در سمت رئیس قوه قضائیه حکومت اسلامی فرمان دست و سر و پا بریدن و چشم درآوردن و سنگسار را صادر و تایید میکند، سالپانه بیش از ۱۵ میلیون پرونده قضائی به دادگاههای اسلامی ارجاع میشوند. سران حکومت اسلامی خود رسماً جزو آدمکشان حرفه ای این نظام هستند. خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژاد و خاتمی و امثال محسنی اژه ای ها و دیگر سران جمهوری اسلامی پرونده بیش از ۱۰۰ هزار قتل زنجیره ای و غیر زنجیره ای را زیر بغل دارند. دزدی و اختلاس و فساد و رشوه خواری و دروغ و تزویر و ریای اسلامی نیز بنیاد سیستم حکومت اسلامی سرمایه را میسازد. در یک کلام، حکومت خدا و خون و خفقان سرمایه در ایران برای ادامه تحمیل این شرایط به مردم و جامعه ایران، بقاء روز بروز خود را تا این لحظه با کشتار و ارباب و به کمک نیروهای ارتجاعی تاریخ از قبیل خدا و میهن و ناسیونالیسم و جنگ و زن ستیزی و ترس از بیگانه تامین کرده است.

این تازه گوشه هایی است از آنچه که در ایران تحت حاکمیت اسلامی سرمایه میگذرد. در این وضعیت اوباش اسلامی ای، نظیر خامنه ای و احمدی نژاد از اینکه به خیال خود در متن بحران اخیر سرمایه وقت مناسبی برای استتار کثافت اسلامی سرمایه از انظار عموم و نرخ گذاری مجدد جریان اسلامی را پیدا کرده اند، ابراز رضایت میکنند.

ریاکاری خامنه ای در این مورد و همچنین در مورد شکستن "حجاب کاذب" پول البته رنگ باخته تر از آنست که خود را زیر آن پنهان کنند. اکنون کسی نیست که نداند که نبض خامنه ای و هر آخوند دیگری هم با بالا و پائین رفتن "حجاب کاذب" پول در بازارهای بورس و سهام، بالا و پائین میرود. آنچه که خامنه ای و احمدی نژاد و دیگر اوباش حکومت اسلامی را به این ریاکاری و ادار کرده است، نه عدم اطلاع مردم از ماهیت جمهوری اسلامی، بلکه همان مشکل شکسته شدن "حجاب کاذب" پول در اقتصاد سرمایه داری است که دامن حکومت اسلامی سرمایه را نیز گرفته است. شکستن "حجاب کاذب" پول در حکومت اسلامی سرمایه، چه بسا وخامت اقتصادی و در نتیجه سیاسی موجود جمهوری اسلامی را در این دوره دو چندان و حتی شدیدتر نیز بکند. خامنه ای تا چند روز قبل ادامه خصوصی سازیها و اجرای طرح پارانها (سپردن تعیین قیمتها کاملاً به مکانیسم بازار) را به دولت احمدی نژاد با قید "احتیاط" توصیه میکرد.

احمدی نژاد هم پوتین ها را بالا کشیده بود تا خط اقتصادی ای را که رفسنجانی از بعد از پایان جنگ ایران و عراق در پیش گرفته بود به سرانجام برساند و در اقتصاد نیمه دولتی سرمایه داری در ایران را بر روی مکانیسم بازار، همان لیبرالیسم اقتصادی ای که این روزها مورد "همه" رهبرش قرار گرفته است، بگشاید. مشکل اینها اینجاست که خود مکانیسم بازار فعلاً کفگیرش به ته دیک خورده است.

حکومت اسلامی تا چند روز قبل میخواست کاملاً به مکانیسم بازار شیفت کند، اما اکنون خود مکانیسم

بازار دخالت دولت بورژوازی را در اقتصاد سیاسی خواستار شده است. این وضعیت در واقع جمهوری اسلامی را آچمز کرده است. همین چند روز پیش احمدی نژاد در جلسه معارفه با وزیر پیشین بانک مرکزی جمهوری اسلامی از اینکه تا حال چهار بانک دولتی خصوصی شده اند، خود را گله مند نشان میداد.

پناه بردن خامنه ای و احمدی نژاد به دفاع ایدئولوژیک از نظام اسلامی سرمایه، بیانگر این وضعیت و بلاتکلیفی است که جمهوری اسلامی خود را با آن روبرو می بیند. نه برای خصوصی سازی ها مشتری پیدا میشود و نه دولت اسلامی راه حلی برای جلوگیری از شکستن "حجاب کاذب" پول در اقتصاد بورژوازی ایران را دارد. اقتصادی بر پایه تجارت خارجی با وابستگی شدید به نفت که اگر نتواند غله را از خارج وارد کند، جامعه بلافاصله با قحطی روبرو میشود.

در مورد تسلی خاطری که خامنه ای و احمدی نژاد و دیگر سران جمهوری اسلامی با "شکست" مارکسیسم به خود میدهند باید گفت که این تسلی خاطر و در واقع هراس آنها چه در سطح بین الملل و بویژه چه در سطح ایران از بازگشت مارکسیسم و از جنبش کمونیستی طبقه کارگر، قابل درک است. اگر قرار باشد در پس بحران اخیر سرمایه داری و در ادامه آن جنبشی پا بگیرد، آن جنبش، مارکسیسم و جنبش کمونیستی طبقه کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری این جوامع است. راسیسم و مذهب مدتهاست علیه کمونیسم و کارگر به اندازه کافی به جلو صحنه رانده شده اند.

همچنین به پایان رسیدن سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا بر جهان (رسمیت یافتن جهان چند قطبی) که روزی عروج جریان اسلامی در منطقه و سرکار آمدن آن در ایران محصول جانبی آن در متن تقابل شرق و غرب بود و اکنون خامنه ای در دنیای چند قطبی امروز بدنبال مفری برای بقاء حکومت اسلامی است و از این بابت اظهار خوشحالی میکند،



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!



آزاد زمانی

انسانیت، آزادی و برابری و دفاع از جامعه آزاد است. این جنبش می‌کوشد تا اعدام کودک بدون هیچ شرطی متوقف شود. اعدام شهروندان متوقف شود. سنگسار متوقف شود. شکنجه و نقض حقوق کودک متوقف شود. تبعیض و استثمار علیه کودکان در میان نباشد... خواسته‌های انسانی این جنبش به مناسبت‌های مختلف و در اعتراض به هرگونه تبعیض، بی‌حقوقی و تعرض به حقوق فردی و اجتماعی کودکان و دیگر شهروندان در صحن جامعه مطرح است و بطور مستمر در شهرهای ایران بازخوانی، فریاد و مطالبه می‌شود. علیرغم همه تنگناها و فشارها، جنبش دفاع از حقوق کودکان در ایران با اتکا به نیروی اجتماعی خویش قدرتمند شده است. تثبیت شده است. در سطح جامعه گسترش پیدا کرده است. متشکل تر از گذشته است. مدعی و پرتوقع است. سازش ناپذیر و تعطیل ناپذیر است. همین وجه از قدرت اجتماعی جنبش ماست که امروز بانیان اعدام و خشونت رابه عقب رانده است. باید متشکل تر و متحد تر شویم.

حکم اعدام کودکان در ایران با هر شرط و شرطی که مسولین قضایی حکومت اسلامی اظهار می‌کنند به جمهوری اسلامی تحمیل شد. این یک پیشروی بزرگ برای جنبش دفاع از حقوق کودکان است. باید مانع اجرای حکم قصاص در حق کودکان شویم. باید مانع حبس ابد و زندانی کردن کودکان شویم. باید مانع شلاق و شکنجه و تحقیر کودکان شویم. باید مانع استثمار و مرگ تدریجی کودکان کار و خیابان شویم. حکم اعدام در جامعه باید متوقف شود! راه ما طولانی است اما جنبش ما پیروز است.

جنبش دفاع از حقوق کودکان "ممنوعیت حکم اعدام کودکان" را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد

مردم، فریب این حيله‌ها و دوزوکلک‌ها را نمی‌خورند، مردم تمام رفتارهای سران جمهوری اسلامی را تجربه کرده‌اند. میدانند جمهوری اسلامی خوشخیم نمی‌شود. بخشنده هم نیست. هیولای حکومت اسلامی هر وقت زورش برسد خون میریزد و دارمیزند، سلاحی میکند و سنگسار میکند. اما امروز مجبور به پذیرش این تخفیف شده است.

جنبش دفاع از حقوق کودکان این عقب‌نشینی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده است! مردم ایران و دنیا میدانند که در سالهای گذشته جامعه ایران صحنه رویارویی اجتماعی عظیمی بوده است تلاش برای ممنوعیت اعدام و شکنجه در جامعه تنها یک وجه این جدال اجتماعی اعتراضی است. مبارزه علیه اعدام، علیه نقض حقوق کودک و علیه تعرض به حقوق شهروندان در جامعه بطور مستمر و علنی در جریان بوده و هست. عقب‌نشینی و تخفیف مجازات اعدام حاصل این پیکار اجتماعی است.

مروری به اخبار و رویدادهای سالهای گذشته بیان‌کننده این واقعیت است که جنبش دفاع از انسانیت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و مدنی پیکار بزرگی را برای کسب حقوق احاد جامعه به نمایش گذاشته است. مبارزه ای بی‌وقفه و بی‌امان با دستاوردهای درخشان و قابل ستایش در میان هست. تلاشهای فعالین این جنبش باعث نجات جان انسانهایی شده است و تعدادی را از زندان و مرگ رها کرده است، مانع اجرای حکم سنگسار و شلاق و اعدام تعدادی از شهروندان و نوجوانان شده است. تعداد زیادی از آنان امروز در صحنه زندگی اجتماعی حضور دارند و برای مبارزین و فعالین جنبش علیه اعدام و دفاع از حقوق کودکان جای افتخار و خوشحالی است.

جنبش دفاع از حقوق کودکان نیروی پرتحرک جنبش دفاع از

سخنگوی دادستانی کل جمهوری اسلامی "تخفیف حکم اعدام کودکان زیر ۱۸ سال را به حبس ابد" در ایران اعلام کرد. در بخشی از بخشنامه مربوط به این تصمیم از مقامات قضایی خواسته شده است تا مقررات مربوط به آیین نامه کمیسیون عفو، بخشودگی و تبدیل مجازات دوبار شامل حال مجرمان کمتر از ۱۸ سال سن شود. گویا جمهوری اسلامی بدخیم و مرگبار، خوشخیم میشود! همانطور که در بیانیه سخنگوی قوه قضاییه پیداست این جراحی در سیستم قضایی دولت اسلامی از سرناچاری است. سخنان معاون دادستان کل کشور بیان این واقعیت است که مسولین قضایی جمهوری اسلامی برخلاف میل و عقایدشان زور خور شده‌اند.

یک بخش از این اظهارات ضد و نقیض در مورد تخفیف مجازات اعدام به حبس ابد است در بخش دیگران اظهار میکنند مجازات در مورد حکم قصاص به حالت خود باقی است و تخفیف شامل حکم قصاص نمی‌شود. علاوه بر اینها، در بخشنامه گویا حکومت اسلامی بیش از حد بخشنده و مهربان شده است و به مراجع قضایی سراسر کشور اعلام میدارد که دوبار آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی و تبدیل مجازات را شامل کودکان زیر ۱۸ سال میکند. هنوز با هزار آسمان و ریسمان دنبال راه و چاهی هستند که بساط مجازات اعدام را در حق کودکان با عنوان "حکم قصاص" داشته باشند.

شرمتان باد و تف به رویتان آدمشکان تاریخ معاصر ایران! همین چند ماه و چند روز گذشته در شیراز، تهران، بیرجند و زاهدان کودکان زیر هجده سال را اعدام کردید. محمد جاهد و حجازی را در حالیکه از تمام دنیا تقاضای کمک کردند دازدید. جوانان شهر مشهد را در ملا عام اعدام کردید. کارنامه قضایی شما مملو از بی‌عدالتی، نقض حقوق شهروندان، زنان و کودکان است.

به معنی رو آمدن مجدد و یا گسترش جریان اسلامی حتی در کشورهای مسلمان نشین نیز نخواهد بود، بلکه رو آمدن مجدد چپ و کمونیسم و کارگر و بالاگرفتن پرچم مارکس و جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر و در نتیجه حاشیه‌ای تر شدن جریان اسلامی، میتواند یکی از شق‌های کاملاً محتمل آن باشد. سرمایه‌گذاری مجدد خامنه‌ای بر روی خاصیت ضد کمونیستی و ضد کارگری جریان اسلامی برای سرمایه در تقابل با گسترش مجدد مارکسیسم و کمونیسم و کارگر، ممکن است هنوز بردر گرفتن زیر بغل جمهوری اسلامی توسط دول غربی یا قطبهای نوظهور سرمایه بخورد، اما دردی از حکومت اسلامی نزد مردم ایران نوا نخواهد کرد.

انزجار توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه و برابری طلب در ایران از حکومت اسلامی تنها ناشی از شکاف عمیق طبقاتی، فقر و بی‌حقوقی سیاسی و اختناق و توحش و استبداد و سرکوبگری هر روزه جمهوری اسلامی نیست، ناشی از اسلامی بودن حکومت و ناخوانی عمیق آن با جامعه امروز ایران و نیازهای امروز زندگی مردم ایران نیز هست. تا حکومت اسلامی است، زن در ایران ناچار از مبارزه مداوم علیه آن است. تا حکومت اسلامی است، مبارزه برای اسلام زدایی بخشی از مبارزه این مردم و جوان سکولار و مدرن این جامعه است.

با سپر انداختن اپوزیسیون بورژوازی ایران در این دوره در مقابل حکومت اسلامی، بدون اغراق، رقم زدن آینده سیاسی ایران را بیشتر از هر زمانی صف کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری تعیین میکند. سرنگونی و به زیر کشیدن کلیت جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی به پراتیک این جنبش گره خورده است. شکستن "حجاب کاذب" پول، شکستن حجاب حکومت اسلامی سرمایه نیز هست. آن را باید بر سر جمهوری اسلامی خراب کرد.

سرنگون باد جمهوری اسلامی